



تقابل اخلاق زمامداران الهی و تکنوکرات‌ها

محمدعلی جعفری

گروه حمایت می‌کند و همواره نظام‌های سیاسی غرب را بعد از رنسانس تاکنون مورد نقد قرار می‌دهد.^۱ در مقابل این نگاه، برخی نیز قائل به همانندی رفتار اجتماعی مردم در نظام‌های سیاسی مانند با علم تجربی هستند و نظام سیاسی را پدیده‌ای می‌دانند که صغری علم تجربی است. غلبه این اندیشه بر تفکر فلسفی موجب شد تا نظام‌های سیاسی مدرن بر این اساس به‌سوی دموکراسی سوق داده شوند که حاصل آن چیزی جز غلبه اکثریت بر اقلیت نبود، نگاهی که در آن مشروعیت هر امری حتی دین، از مشروعیت رأی اکثریت سرچشمه می‌گیرد! حاکمیت این نگرش بر جوامع غربی و سپس جهانی شدن آن که در حقیقت تفکر پوزیتیویستی^۲ بود، موجب شد تا تمام گزاره‌هایی که جامعه به آن نیاز داشت و می‌بایستی به نظام سیاسی مشروعیت ببخشد، با این نگاه تعریف شود؛ چرا که تعریف نفی وضع موجود به تنهایی نمی‌توانست تغییرات اساسی را در نظام سیاسی ایجاد کند و می‌بایستی نظام جایگزین برای نخبگان و مردم روشن می‌شد و نخبگان و اندیشه‌وران را از حالت برزخی که موجب منازعات اجتماعی و گاه جنگ‌ها می‌شد، رهایی بخشد؛ چنان‌که اروپائیان در دوران برزخی گرفتار جنگ‌های داخلی بسیاری شدند و از این جنگ‌ها مذهب پروتستان شکل گرفت؛ که از دل مذهب کاتولیک زاییده شد. از این به بعد مسؤلیت نهادسازی نظام سیاسی و اقتصادی به کلیسای پروتستان واگذار شد.

آن‌چه امروزه در عرصه سیاست و اجتماع جهان شاهد هستیم، برآیند اخلاق و رفتار کارگزاران و زمامدارانی است که مبنای آن را اندیشه‌وران عصر رنسانس بنیان نهادند؛ مبنایی که در تقابل با مبنای الاهیون قرار دارد. در نگاهی به روند نهادینه‌شدن این مبنای در حوزه تئوریک باید به این نکته اشاره کنیم: اروپائیان که قرون وسطی^۱ را با رنسانس پشت سر گذاشته بودند، ناچار از اصلاح تمام گزاره‌های مسیحیت در مدیریت نظام سیاسی بودند؛ از این رو ابتدا تمام گزاره‌های کلامی کلیسا را که نهادهای ساختاری و سیاسی اجتماعی مشروعیت خود را از آن دریافت کرده بودند به جایی سوق دادند که در مباحث کلامی تغییرات گوناگونی پدیدار شد. آنان با به چالش کشیدن فهم کتاب مقدس اذعان داشتند که برای فهم دین و کتاب مقدس، به نهادی مانند کلیسا نیاز نیست و فهم از کتاب مقدس، نسبی است. آن‌ها پس از این‌که انحصار کلیسا در فهم کتاب مقدس را با این نظریه خود شکستند، بی‌نیازی به کلیسا را به مشروعیت‌بخشی آن به نظام سیاسی و اجتماعی اعلام و در عمل کلیسا را به موزه‌ای تبدیل کردند که محل رفت‌وآمد بخشی از جامعه برای برخی از اعمال دینی شد. مسأله جایگزینی کلام نسبی به جای کلیسا به قرائت‌های گوناگون از مدیریت سیاسی و اجتماعی انجامید. در همین راستا عده‌ای معتقد بودند که برای مدیریت یک نظام سیاسی، به فلسفه سیاسی نیاز است بدین گونه که جامعه را می‌توان بدون دین مدیریت کرد ولی بدون فلسفه هرگز این امر امکان‌پذیر نیست؛ اشتراوس^۲ از این



ماکس وبر^۵ بر این اساس کتاب «اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری» را نوشت.^۶

آن چه بر این اندیشه استوار است این است که اگر این امری ناشی از قرارداد اجتماعی و تصمیم اکثریت است، چگونه اکثریت دارای حجیت ذاتی می‌شود و بر اقلیت حاکمیت پیدا می‌کند؟

هیوم^۷ نیز از کسانی است که زیرساخت اندیشه دموکراسی را شکل داده و از جمله مشککین است که تأثیر بسیار زیادی بر اندیشه‌وران بعدی خود گذاشته و از بنیان‌گذاران مکتب تجربه‌گرایی بود.

آیت‌الله مصباح یزدی^۸ در کتاب مشکات نظریه سیاسی اسلام جلد ۱ درباره بحث ساختاری در اندیشه دموکراسی درباره اندیشه هیوم می‌گوید: درک‌کننده «استها» عقل نظری است و درک‌کننده «بایدها و نبایدها» عقل عملی است و چون عقل نظری بیگانه با عقل عملی است و ارتباطی با آن ندارد، نمی‌توان مدرک عقل عملی باشد و آن را مبتنی بر عقل نظری ساخت.

این شبهه هیوم مورد توجه فلاسفه غرب قرار گرفت و آن را زیرساخت و مبنای بسیاری از نظریه‌ها و فرآورده‌های علمی خود ساختند.^۹

از آن جا که بعد از رنسانس غربی می‌بایست تمام ساخت‌های اجتماعی شکل می‌گرفت، اندیشه‌وران غربی ابتدا زیرساخت تئوریک آن را با بحث اصلاحات در تفکرات مذهبی مطرح کردند و سپس شکل دادند و به نوعی غربیان به التقاط روی آوردند و از آن جایی که تفکر التقاطی شکل گرفته تنها در کسب قدرت مورد استفاده قرار می‌گرفت و تنها جنبه رمانتیک آن کارساز بود و از پتانسیل رمانتیک اصلاحات استفاده مناسب می‌بردند، در یک بازه زمانی خاص خود را در جایگاهی قرار دادند که می‌توانستند براساس آن نظام فکری جامعه را تغییر دهند ولی این مقدار تغییر برای مدیریت اجتماعی کافی نبود بلکه می‌بایستی به بخش عقل عملی نیز پاسخی مناسب ارائه می‌کردند، این جا بود که تقسیم قدرت در شکل دهی ساختارهای اجتماعی خود را نشان داد - سرنوشت انقلاب فرانسه در این مورد خواندنی است - ضرورت این تقسیم

قدرت، میان دو نظام سیاسی در قالب اندیشه هگل شکل گرفت، به همین سبب است که لیبرالیسم را راست‌اندیشه هگل و کمونیست را چپ‌اندیشه هگل می‌گویند. دو نظام سیاسی بر این اساس در نظام بین‌الملل شکل گرفت و به رقابت پرداختند و از دل رقابت‌های آنان جنگ‌های اول و دوم جهانی سر برآورد که برنده‌های برای شرق و غرب نداشت و در نهایت نظام بین‌الملل بنا بر اندیشه الحادی در شکل سازمان ملل متحد ایجاد شد؛ و تاکنون نیز درگیری‌ها در قالب جنگ سرد ادامه یافته و هنوز نیز ادامه دارد. بدیهی است که بحث از اخلاق کارگزاران نظام بین‌الملل بحث از مبنای تفکر الحادی غرب است و اخلاق به مفهوم متافیزیکی آن جایگاهی ندارد؛ گرچه عده‌ای از اندیشه‌وران غربی به این نقیصه پی برده و سعی کرده‌اند برای جایگاه اخلاق در ساختارهای کارگزاران به دنبال راه حلی باشند و به نوعی از تفکر ماکیاوول فاصله بگیرند اما هنوز نتوانسته‌اند به نتیجه‌ای در این مسیر برسند؛ چراکه اگر نظام دموکراسی و سرمایه‌داری و سوسیالستی را فقط کسب ثروت بدینم زیرساخت چنین نظامی با تفاوتی یکسان جلوه می‌کند، از یک‌سو در نظام سوسیالیستی بحث عدالت و توزیع بخشی از ثروت انباشت شده برای کاهش فاصله طبقاتی مطرح می‌شود که به نوعی دخول یک مفهوم متافیزیکی در نظریه علم‌گرایی است و اعتراض اندیشه‌وران سرمایه‌داری را به دنبال داشته است و از سوی دیگر نظام سرمایه‌داری به‌طور دینامیک عدالت‌گرا تعریف شده که قانون بازار به نوعی خود عدالت را محقق می‌سازد و نیازی به دخالت دولت در نهادهای مختلف ندارد!^{۱۰}

آن چه امروزه در عرصه سیاست‌گذار جهانی و برخورد آنان در معادلات

سیاسی اجتماعی و فرهنگی تحت عنوان نظام بین‌الملل نظاره می‌کنیم، تصویری از بینش و عمل مدیرانی که تحت تأثیر دو نظام سیاسی با یک پارادایم قرار دارد و بر پایه‌ی اندیشه‌های هگل شکل گرفته است، می‌باشد. ظهور انقلاب اسلامی و زنده شدن تفکر الاهیون، مبانی و ساختار مدیریت غیرالاهی نظام‌های سرمایه‌داری و سوسیالیستی که تنها به دنبال کسب قدرت و ثروت بوده است را به چالش کشیده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. قرون وسطی یا سده‌های میانه نام یکی از چهار دوره‌ای است که برای تقسیم‌بندی تاریخ اروپا استفاده می‌شود. این چهار دوره عبارت بودند از دوران کلاسیک باستان، قرون وسطی، عصر نوزایی و دوران جدید یا مدرن که از ۱۶۰۰ میلادی شروع می‌شود. معمولاً قرون وسطی را از پایان امپراتوری روم در قرن پنجم میلادی تا سقوط قسطنطنیه توسط دولت عثمانی و پایان امپراتوری روم شرقی یا بیزانس در ۱۴۵۳ در نظر می‌گیرند.

۲. لئو اشتراوس (Leo Strauss) (۲۰ سپتامبر ۱۸۹۹ در کیرشن آلمان - ۱۸ اکتبر ۱۹۷۳ در آنابولیس آمریکا) نظریه‌پرداز و مورخ فلسفه سیاسی آلمانی - آمریکایی بود. تلفظ آلمانی نام او اشتراوس و تلفظ انگلیسی آن استراوس است.

اشتراوس در خانواده‌ای یهودی در آلمان به دنیا آمد و وی از تأثیرگذارترین نظریه‌پردازان فلسفه سیاسی قرن بیستم محسوب می‌شود. وی شاگردان زیادی را در دانشگاه شیکاگو تربیت کرد که به اشتراوسی‌ها معروف هستند. از مکتب فکری او پیروی می‌کنند. روش منحصر به فرد و پیچیده اشتراوس در تفسیر آثار و اعتقادات نویسندگان بزرگ و انتقادات وی از مدرنیته باعث شده تا اشتراوس و مکتب فکری او مخالفان زیادی نیز داشته باشند.

۳. برای آشنایی بیش‌تر رجوع کنید به کتاب اشتراوس و فلسفه سیاسی اسلامی، محسن رضوانی، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۲

۴. این مکتب بعد از جدا شدن راسل و جی. اولارد مور از ایده‌الیسم، در قرن نوزدهم شروع شد و با پیگیری ویتگنشتاین ادامه یافت و تا دهه ۱۹۲۰ در اثریش، ادامه داشت. طبق نظر پوزیتیویست‌ها، تنها قضایایی (یا معرفتی) معنادار و مطابق با واقع است که تحقیق پذیر تجربی باشند و گرنه، نه معنا دارند و نه صادق اند. به قول آگوست کنت که پدر پوزیتیویست‌ها لقب گرفته، چون گزاره‌های متافیزیکی قابل تجربه حسی نیستند؛ غیر علمی بوده و مربوط به گذشته تاریخ هستند.

۵. ماکس کارل امیل وبر (زاده ۲۱ آوریل ۱۸۶۴ میلادی) در ارفورت ایالت تورینگ آلمان است. بزرگ‌ترین فرزند خانواده‌ای دارای هفت فرزند و ثروتمند و به لحاظ سیاسی مشهور در حزب لیبرال ناسیونال آلمان بود.

پدرش ماکس وبر و مادرش یک کارمند دولت به نام هلن فالنشتاین و یک پروتستان و کالوین‌گرا، با ایده‌هایی جزئی نسبت به اخلاق پروتستانی بود.

۶ کتاب «اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری» مهم‌ترین اثر وبر در حوزه جامعه‌شناسی و اقتصاد سیاسی است. اهمیت این کتاب تا به امروز به دلیل طرح دو مشکل در این کتاب است. مشکل نخست، مشکل تاریخی است، روح برخی از فرقه‌های پروتستانی تا چه حد بر تشکیل سرمایه‌داری تأثیر گذاشته‌اند؟ مشکل دوم، مشکل نظری یا جامعه‌شناختی است: درک رفتارهای اقتصادی به چه جهت مستلزم استناد به اعتقادات مذهبی و جهان‌بینی‌های عاملان رفتار است؟ ادعای کلی وبر در کتاب اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری این است که نظام اقتصادی سرمایه‌داری عقلانی که در غرب ظهور کرده بود و بر بخش اعظم جهان چیرگی داشته، و رشد چشمگیری را در تکنولوژی به بار آورده بود، تا اندازه‌ای ریشه در تحولات مذهبی اصلاح مسیحیت، یعنی آیین پروتستان دارد.

۷. دیوید هیوم (به انگلیسی: David Hume) (۷ مه ۱۷۱۱ - ۲۵ اوت ۱۷۷۶) از فیلسوفان اسکاتلندی و از پیشروان مکتب تجربه‌گرایی بود. تقریباً همه فیلسوفان بر این اتفاق نظر دارند که او بزرگ‌ترین فیلسوف تاریخ بریتانیا و مکتب تجربه‌گرایی بوده است.

۸. آیت‌الله محمدتقی مصباح‌مقدم (۱۱ بهمن ۱۳۱۳ در یزد) مجتهد استاد فلسفه اسلامی، مفسر، بنیانگذار و مدیر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و یکی از اساتید حوزه علمیه قم است؛ وی از منظر علمی به دلیل نوشتارهایش در زمینه تفسیر موضوعی قرآن، و فلسفه اسلامی - به ویژه یکی از کتاب‌های درسی حوزه تحت عنوان «آموزش فلسفه» که به زبان‌های عربی، انگلیسی و غیره نیز ترجمه شده است.

۹. نظریه سیاسی اسلام جلد اول، آیت‌الله مصباح یزدی، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ هفتم، زمستان ۹۱ ص ۷۵.

۱۰. رجوع شود به کتاب قدرت‌های بزرگ قرن بیستم.